

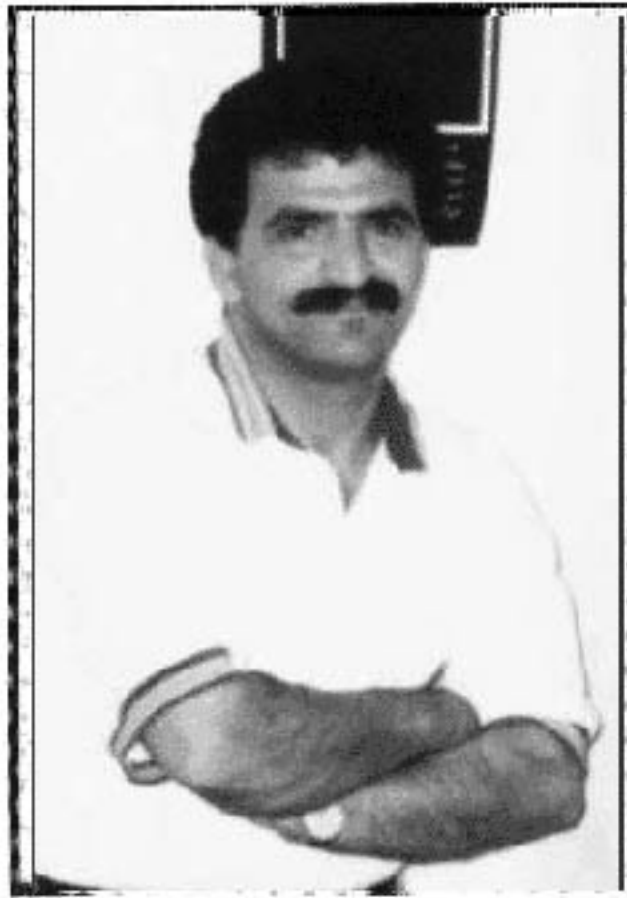
خبرها و دیدگاه‌ها

سوم شهریور ۸۷، ده سال از زیدون، شکنجه و قتل پیروز دوانی می‌گذرد.

پیروز دوانی، نویسنده، مترجم، پژوهشگر، تحلیل‌گر مسائل سیاسی، مبارز سیاسی علیه رژیم استبدادی جمهوری اسلامی ایران، بنیان‌گذار و دبیر و سخنگوی اتحاد برای دموکراسی در ایران بود.

پیروز روز سوم اردیبهشت سال ۱۳۴۰ در شهر تهران به دنیا آمد و به دلیل سنت مبارزاتی که در محیط خانوادگی اش وجود داشت، از دوران کودکی به مسائل اجتماعی پیرامون خود حساس بود. با شروع انقلاب، پیروز با انرژی و انگیزه وصف ناپذیر در سن شانزده سالگی به صفوف انقلابیون پیوست و به سوی اندیشه مارکسیسم - لنینیسم گرایش پیدا کرد. پیروز دوانی اولین بار در شهریور ۱۳۶۱ به خاطر هواداری و فعالیت با سازمان جوانان توده دستگیر و به مدت هفت ماه زندانی شد. از زمان آزادی در سال ۱۳۶۲ تا زمان دستگیری مجدد در اسفند سال ۱۳۶۹ فعالیت‌های گسترده‌ی آزادی خواهانه و انساندوستانه در رابطه با کارگران و خانواده‌های زندانیان و مفتولان سیاسی را با وجود سیستم کنترل قوی پلیسی رژیم حاکم در شرایط داخل کشور دنبال کرد. از نمونه‌های تظاهرات و تلاش‌های پیگیرانه وی وقفه پیروز در این سالها تشکیل کانون حمایت از زندانیان سیاسی (داخل کشور) و اطلاع رسانی و افشاکاری در رابطه با فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی است.

۱۲ اسفند ۱۳۶۹ پیروز مجدداً دستگیر شد و به مدت ۶ ماه در منزل انفرادی شکنجه‌گاه وین زیر انواع شکنجه‌ها قرار



گرفت.

هفت ماه پس از بازداشت در یک دادگاه غیر علنی محاکمه شد و به سه سال زندان و پنجاه ضربه شلاق محکوم شد و سه سال دیگر را به خاطر بی‌گیری فعالیت‌های سیاسی اش در اوین و در کنار بسیاری از زندانیان گروه‌های مختلف سپری کرد.

پس از انتقال به زندان عمومی، با توجه به روحیه سرزنده و ایمان خلیل‌ناپذیرش به ضرورت ایجاد تقاضا در میان گروه‌های مبارز، به سازماندهی در میان زندانیان و اعتراض به نقض

حقوق آنان در زندان پرداخت و به زودی به چهره‌ای محبوب در زندان تبدیل شد. همین امر موجب شد که بارها از سوی مسئولان زندان تحت آزار قرار گیرد، به انفرادی بازگردانده شود و ملاقات‌های وی با خانواده قطع شود. در همین مدت بود که با چهره‌های سرشناس مبارز در زندان همچون عباس امیرانتظام و محمدعلی عمویی آشنا شد.

زمستان سال ۱۳۷۳ پس از رهایی از زندان، با توجه به سابقه زندان و آشنایی پلیس با نوع تفکر و عمل وی، تصمیم گرفت با استفاده از روزنه‌های موجود قانونی برای تحقق اهداف خود در زمینه اطلاع رسانی جامعه درباره نقض حقوق بشر به فعالیت خود ادامه دهد.

از جمله این فعالیتها تاسیس شرکت پژوهشی پیام پیروز بود، از آنجا که صق قانون، هر شرکتی می‌تواند بولتنی داشته باشد و فقط چاپ (زینک و فیلم) بولتن نیاز به مجوز وزارت ارشاد دارد، این شرکت بولتن‌های خود را به صورت فتوکپی در اختیار علاقمندان قرار می‌داد و از این طریق می‌توانست به انتشار مداوم بولتن‌های خبری و تحلیلی بپردازد. در این بولتن‌های سیاسی مقالات افراد گوناگون با دیدگاه‌های متفاوت در ارتباط با تحلیل شرایط ایران و نقض حقوق بشر و وضعیت زندان‌ها و زندانیان سیاسی چاپ می‌شد. زیراکس و انعکاس گسترده زجرنامه‌ی فرج سرکوهی که بازتاب گسترده‌ای در سطح ایران و دنیا داشت (در آن زمان پرونده فرج سرکوهی در افکار عمومی جهان مطرح شده و بزرگ‌ترین رسوائی را برای حکومت به وجود آورده بود) و تکثیر سخنرانی آقای منتظری نمونه‌ای از این فعالیت‌ها است.

پیروز سخت بر این باور بود که برای دسترسی به حقوق اساسی پیمان شده مردم بهتر از هر وسیله‌ای، برقراری صحیح

جریان اطلاعات و اندیشه است و حصار سانسور را میبایست شکست، به این دلیل وی در جهت انعکاس وقایع و افکار متنوع شجاعانه فعالیت داشت و ارتباط مستمر او با نیروهای سیاسی و فعالان جامعه مدنی به سرعت از او چهره‌ای محبوب و درآشنا ساخت.

باور پیروز دوانی به ضرورت نزدیکی جریانات سیاسی موجب شد که از این دوران وی در ارتباط فعال با گروه‌های اپوزیسیون داخل کشور قرار گیرد و یکی از دستاوردهای این ارتباط برگزاری میزگردی پیرامون علل وجود نابسامانی‌ها در جامعه و چگونگی رفع بحران عمومی در جامعه با شرکت دکتر ابراهیم یزدی، مهندس عزت‌الله سبحانی، دکتر حبیب‌الله پیمان و پیروز دوانی به عنوان یک فرد هوادار چپ و سوسیالیسم، در خرداد سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) بود که متن این میزگرد به صورت زیراکس در سطح وسیعی و به طور علنی از طریق شرکت پژوهشی پیام پیروز منتشر شد و در نشریات خارج کشور مانند نیمروز و کار بازتاب یافت.

در بولتن‌های شرکت پژوهشی پیام پیروز، مطالب گروه‌های سیاسی اعم از ملی‌ها، ملی-مذهبی‌ها، چپ‌ها و دموکراسی خواهان منعکس و در بین دیگران توزیع میشد، از در این حرکت فرهنگی کوشید تا با احترام به همه گروه‌هایی که در این راه هزینه پرداخته‌اند و در زیربنای دیدگاه‌ها و تفکرات خویش در راه آزادی و دموکراسی به عدالت اجتماعی و تأمین حقوق و مطالبات آزادی خواهانه کارگران و دیگر طبقات زحمت کش توجه دارند، همه را حول سازمان اتحاد برای دموکراسی به هم نشینی و همراهی دعوت کند. او همچنان ارتباطات فرهنگی اش را با بخش وسیعی از علاقمندانی که در نقاط مختلف کشور یا از ارتباط برقرار کرده بودند، گسترش

قتلهای سیاسی مشابه در تاریخچه سیاه جمهوری اسلامی است که در ارکان رسمی نظام مانند کمیسیون اصل نود، صحن علنی مجلس شورای اسلامی و دادگاه ویژه روحانیت صدور حکم قتل از سوی سه روحانی (غلامحسین محسنی اژه‌ای وزیر اطلاعات دولت احمدی نژاد یکی از آن سه روحانی است) خارج از محوطه قانونی و قضایی جمهوری اسلامی به ثبت رسیده است.

برای اطلاعات بیشتر در این مورد به سایت پیروز دوانی مراجعه کنید.

www.PiroozDavani.com

کوچکترین مدرسه دنیا در ایران



عبدالمحمد شعرانی، سرباز معلم ۲۳ ساله، در روستای «کاکو» در ۱۸۰ کیلومتری شهرستان دیرستان بوشهر، توانسته است با راه اندازی یک وبلاگ در آدرس

www.dayyertashbad.blogfa.com

داد. دستگیری‌های کوتاه مدت و تهدیدات نفقشی، بر این مبنی که اگر دست از فعالیت برننداری این بار احضارت نمی‌کنیم، بلکه خفته ات می‌کنیم، زنگ خطرهایی بود؛ ولی پیروز مشتمر فعالیت‌هایش را برای کسب آزادی و برقراری دموکراسی آگاهانه ادامه داد.

روز سه شنبه سوم شهریور ۱۳۷۷ (۱۲۵ آگوست ۱۹۹۸) پیروز دوانی پس از خروج از خانه توسط ماموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ربوده شد. این خبر ابتدا به نقل از زنده یاد داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران در افکار عمومی و رادیوهای بیرون مرزی انعکاس یافت. زنده یاد داریوش فروهر و پروانه اسکندری تا آخرین روزهای زندگی سرافرازانه خود پیگیر وضعیت پیروز بودند.

با توجه به سفارشات خود پیروز و همچنان سابقه ضد انسانی و خون آشام جمهوری اسلامی، دوستان و خانواده پیروز به سرعت افکار عمومی و سازمانهای مدافع حقوق بشر را مطلع ساختند به این امید که شاید بتوان مانع انجام نقشه شوم سربازان گمنام و اربابان افشاشده‌اشان شوند.

در ابتدا مسئولان جمهوری اسلامی با سماجت از وضعیت پیروز دوانی ابراز بی‌اطلاعی می‌کردند و سعی شان بر این بود که ربوده شدن پیروز را بی‌ربط به قتل‌های سیاسی جلوه دهند و با شایع پرکتی‌های دروغین سرنوشت پیروز را همانگونه که تهدید کرده بودند آسان به فراموشی سپارند. پیگیری خانواده و دوستان، وکیل‌ها توانا و آگاه همچون ناصر زرافشان روزنامه نگارانی با شهمنی چون اکبر گنجی و دوگیرهای جناحی درون قدرت مانند آنچه در جریان دادگاه عبدالله نوری وزیر مستضیح کشور رخ داد همگی باعث شدند که نشان دهند بودند، شکنجه و سپس قتل پیروز دوانی از موارد بسیار نادر از